

درخشش مستندهای ایرانی در آمستردام

گروه فرهنگ: مستندسازهای ایرانی بار دیگر در سی‌وهشتمین دوره از جشنواره ایدفا، جایی که مستندهای جهان با یکدیگر رقابت می‌کنند و فرم‌ها و قصه‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند، جوایز بزرگ یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های مستند جهان را دریافت کردند. مهرداد اسکویی، فیروزه خسروانی و مرتضی احمدوند سه مستندسازی هستند که صدای مستند ایرانی را به گوش جهان رسانده‌اند. جشنواره بین‌المللی فیلم مستند آمستردام، یکی از معتبرترین جشنواره‌های مستند جهان است که از سال ۱۹۸۸ به‌صورت متناوب در کشور هلند برگزار شده و در آن بیش از ۳۰۰ مستند از سراسر جهان نمایش داده می‌شوند تا برای دریافت جایزه فیلم‌برتر، کارگردانی، تدوین، فیلم‌اول و استفاده خلاق از آرشیورقابت کنند. شامگاه پنجشنبه، ۲۹آبان‌ماه‌برندگان سی‌وهشتمین دوره جشنواره مستند ایدفا معرفی شدند که مستندسازان ایرانی جایزه‌های بهترین فیلم را در دو بخش کسب کردند. در بخش بین‌الملل جشنواره ایدفا، جایزه بهترین فیلم به «رواه و ماه صورتی» ساخته مهرداد اسکویی و ثریا خلاق‌ی تعلق گرفت و در بخش «انویژن» هم مستند «گذشته آینده استمراری» به کارگردانی مرتضی احمدوند و فیروزه خسروانی، جایزه بهترین فیلم را دریافت کرد. به هر دو فیلم که تولید مشترک با کشورهای دیگر هستند، جایزه نقدی به ارزش ۱۵ هزار یورو اهدا شده است. اهمیت این جوایز برای سینمای مستند ایران در افزایش اعتبار جهانی، بازتاب صدای افراد مغلوب، نمایش نوآوری در فرم، الهام‌بخش نسل جدید و تقویت دیالوگ بین‌المللی است. البته ایرانی‌هایش ازاین هم‌موفق به دریافت جوایز جشنواره ایدفا شده‌اند. مهرداد اسکویی در سال ۲۰۱۹ جایزه بهترین کارگردانی، جلال وفایی و جعفر نجفی جایزه بخش مستند نیمه‌بلند و کودکان برای فیلم‌های «سایه‌های بی‌خورشید»، «خلاف عقربه‌های ساعت» و «آشوو» را گرفته‌اند. فیلم «سایه‌های بی‌خورشید» درباره دختران نوجوان زندانی بود و مستند جدید او که جشنواره بهترین فیلم جشنواره ایدفا ۲۰۲۵ را دریافت کرده، درباره نرئیانوجوان افغان ۱۶ ساله‌ساکن ایران است که تلاش پنج‌ساله این دختر هنرمند نقاش ومجسمه‌ساز برای مهاجرت به اروپا را با تکنیک فیلمبرداری از خود با تلفن همراه و ترکیبی از مستند و انیمیشن به تصویر می‌کشد. این مستند ۷۶ دقیقه‌ای «رواه و ماه صورتی»، به‌عنوان محصول مشترک ایران، فرانسه، انگلیس، آمریکا ودانمارک است که ساخت آن هفت‌سال طول کشیده است. ثریا خلاق‌ی که در نقش اصلی، فیلمبردار و کارگردان مستند بوده، احساس اش درباره روند ساخت وانتشار مستند را این‌گونه توصیف کرده که روحش در برابر جمعی بزرگ، برهنه شده است. اما پس از استقبال تماشاگران، به سختی‌های سال‌ها ترس، آسیب و تلاش فکر می‌کند و اکران مستند را لحظه‌ای می‌داند که مسیر دشوار اما پیشرفت خود را دوباره می‌بیند. هیئت‌داوران جشنواره ایدفا هم مستند «رواه و ماه صورتی» را اثری می‌دانند که با فیلمبرداری جسورانه و همکاری مؤثر میان فیلمساز حرفه‌ای و شخصیت اصلی، قدرت هنر و امید را نشان می‌دهد. همچنین آن‌ها بر این باورند که فیلم‌روایتگر بازپس‌گیری خود در برابر تبعید و خشونت، شکوفایی در دل سرکوب و رشد یک هنرمند افغانستانی است که آینده‌دار توصیف می‌شود. فیلم‌مستند «گذشته آینده استمراری» هم به سختی‌های مهاجرت می‌پردازد و داستان زندگی مریم، زن ایرانی را که سال‌ها پیش از ایران مهاجرت کرده و در ایالات‌متحده زندگی می‌کند، به تصویر می‌کشد. این فیلم ترکیبی از فیلم‌دوربین‌های مداربسته در خانه پدرومادر مریم و فیلم‌های خانگی از دوران کودکی اوست. فیروزه خسروانی که با مرتضی احمدوند این مستند را کارگردانی کرده، در سال ۲۰۲۰ هم جایزه بهترین فیلم مستند بلند جشنواره ایدفا را برای فیلم «ادیوگرافی یک خانواده» دریافت کرده است. مستند اخیر او هم که به‌عنوان یک تجربه سینمایی غیرمعمول و کنایه‌آمیز-معرفی می‌شود، به مسأله متنوعی همچون تبعید و حافظه شخصی می‌پردازد. هیئت‌داوران جشنواره ایدفا هم درباره فیلم «گذشته حال استمراری» هم گفته‌اند که این فیلم یک متن فوق‌العاده دارد و فرم اثر، موضوع را به سطحی بالاتر ارتقا می‌دهد. در این مستند، زمان و مکان، هم به‌هم‌پیوسته‌اند، هم در تعلیق. «همچنین از نظر آن‌ها، سازندگان فیلم واقعیتی را ابداع و برپا کرده‌اند که در آن تجربه سینمایی، یک حقیقت عاطفی را بروز می‌دهد. در مجموع هرچند درخشش مستندهای ایرانی در جشنواره ایدفا نقطه‌عطف مهم در تاریخ مستندسازی کشور است، اما مستندسازان ایرانی همچنان با موانع متعددی از جمله محدودیت‌های دولتی، فشار اقتصادی، مشکلات تامین بودجه، محدودیت‌های سفر و گاهی ترس از بیان صادقانه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. اما همین جوایز می‌توانند با افزایش حضور مستندسازهای ایرانی در مجامع جهانی و جذب حمایت‌های بین‌المللی از آن‌ها بخشی از موانع را حل‌کنند و الهام‌بخش آیندگان باشند.

نقاشی مدرسه آتن، رافائل (۱۵۰۹-۱۵))

فرهنگ

CULTURE

۱۴



فلسفه اسطوره را پشت سر نگذاشت

نقدی بر دیدگاه رایج درباره تضاد رفع ناشدنی میتوس ولوگوس

دین اما دراین‌میان در کجای معادله قرار دارد؟ غالب نوشته‌ها حکایت از آن دارند که به‌واسطه بی‌پهرگی دین یونانی از کتاب مقدس و نبود و بی‌نیازی از وجود مفسر اعظم در آن، آمیختگی ویژه‌ای میان دین و اسطوره یونانی وجود دارد و به‌تعبیر گادامر، اسطوره به‌مثابه تاریخ خدایان و نیز حکایاتی از کردارشان با انسان‌ها، شأنی دوگانه می‌یابند.

➤ رابطه تنگاتنگ خرد و دین

هگل هم در تبیین رابطه سه‌مرحله‌ای خرد و دین در غرب، دوران پیشاسقراطی را مر حله رابطه تنگاتنگ خرد

بشری، تبیین نسبت فلسفه و دین نیز از مقولات موردتوجه بوده است. یاکوب بورکهارت سه عامل را در تمدن‌مندی جوامع مهم قلمداد می‌کند: دولت، دین و فرهنگ. گسترده‌گی و قدرت دولت در یونان، برخلاف شرق، اندک بود و تکثر و استقلال دولت‌شهرهای یونانی از جمله مصادیق آن به شمار می‌رود. در اهمیت عامل فرهنگ نیز که شعر و فلسفه یونانی تجلی‌گاه آن است، کمتر تردیدی روا داشته شده است و به‌زعم ورنر یگر: «تاریخ آن چیزی که ما عنوان فرهنگ به‌معنی حقیقی به آن می‌توانیم داد ـ فرهنگ به‌معنایی که آگاهانه از آن می‌فهمیم ـ نخستین‌بار با یونانیان آغاز می‌شود»

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

هرساله سومین پنجشنبه ماه نوامبر، روز جهانی فلسفه است و کم نبوده مواردی که در مراسم بزرگداشت چنین روزی، تاریخ فلسفه با تمثیل مشهور ویلهلم نستله: «گذار از میتوس به لوگوس» بیان شده و در این تعبیر، اندیشه اسطوره‌ای به‌مثابه امری پیشافلسفی فهم شده است. درعین حال باتوجه به اهمیت نقش دین در تمدن‌مندی

چرا همچنان فلسفه؟

به مناسبت روز جهانی فلسفه

هست به‌جای این که نباشد؟». او با این پرسش فلسفه را بنیاد گذاشت، نه‌فقط برای سخن گفتن درباب آن چه هست و نه‌فقط برای مفهوم‌پردازی نظری. او در پی وصول به تجربه‌ای آگاهانه بود که معنا و مسیر زندگی‌اش را آشکار می‌کرد؛ تجربه گشودگی به واقعیت و درک رویه‌هایی که زندگی از میان آن‌ها سر بر می‌آورد و راه خود را می‌گشاید.

افلاطون گفته بود: «حکمت، تجربه عقلانی‌زیستن است». این تجربه، به‌سبب فراموشی و خاموشی اندیشه از کف می‌رود. فلسفیدن یعنی بازایستادن، بازپرسیدن و بازیافتن تجربه عقلانی‌زیستن. این همان هدیه‌ای است که علم و فناوری ارزانی نمی‌دارند و هوش مصنوعی نمی‌تواند از جانب ما به انجام‌اش رساند. تنها ما هستیم که از هستی می‌پرسیم و این پرسش را راهنمای خود می‌کنیم؛ آن چه هست، چرا هست؟ از کجا سربرآورده است؟ به کدام‌سو می‌رود؟ ما چه می‌کنیم؟

فلسفه همواره با فعال‌سازی این پرسش آغاز شده و هنوز هم زندگی‌اش در گرو همین پرسشگری است. بحران‌ها ریشه در فراموشی این نحو پرسشگری دارند. هنگامی که علم، تکنیک، سیاست و اقتصاد بدون این قبیل پرسش‌گری به حرکت درمی‌آیند، جهان به «موجودی در دسترس» فروکاسته می‌شود و آن چه هست

به ابزاری برای کنترل، مصرف یا بهره‌برداری بدل می‌شود. پیامد این فراموشی، معنازدایی از هستی، اسطوره‌سازی از داده‌ها، فرسایش فهم مشترک، بحران اعتماد و گم‌گشتگی اخلاقی است. چه باید کرد؟

فلسفه به‌عنوان اندیشیدن بنیادین به هستی، همان چیزی است که آدمی را به «تجربه عقلانی‌زیستن» تشویق می‌کند، زندگی با پرسیدن جهت می‌یابد و آگاهی دوباره به واقعیت گره می‌خورد! اگر جوامع انسانی از دیروز تا امروز گرفتار آشوب بوده‌اند، نه فقط به‌سبب ناکارآمدی نهادها، بلکه ناشی از ناتوانی انسان‌ها در فهم نسبت‌شان با واقعیت بوده است.

فلسفه ضرورت بازاندیشی و پرسش را برمی‌انگیزد؛ چه فهمی از هستی، رفتارهای ما را ممکن یا ناممکن ساخته است؟ چه فهمی از آزادی، از خرد، از حقیقت و از مسئولیت در پس تصمیم‌های ماست؟ آیا این فهم هنوز اعتبار دارد؟ این‌ها عملی‌ترین پرسش‌هایی‌اند که می‌توان طرح کرد؛ زیرا بدون آن‌ها هر اصلاحی کوتاه‌مدت و هر خبری سطحی می‌ماند.

فلسفه همواره پرسش از «وجود موجودات» بوده است، اما خود این پرسش امری پویاست که پایه‌ای زمان تجدید می‌شود. این پرسشی است که باید مدام نو شود تا ما را به تجربه‌ای بازگرداند که با هستی‌مان گره خورده است. فلسفه، پاسداری از پرسیدن و پاسداری از گشودگی اندیشه به واقعیت است. در جهانی که اطلاعات انبوه جای تأمل عمیق را گرفته‌اند و شتاب‌زدگی به زوال طمانینه انجامیده است، فلسفه به‌معنای واقعی‌اش نوعی مقاومت برای بازگرداندن انسان به خویشتن اندیشنده‌اش است.

به‌این‌ترتیب روز جهانی فلسفه، یادآور وظیفه‌ای است که فقط از